

در بررسی هزینه های نظامی در جهان و تاملاتی درباره ی موضوع جنگ و صلح
تداوم افزایش هزینه های سرسام آور نظامی در جهان چند قطبی

عیسی پهلوان

با آنکه بسیاری از مردم جهان در سال 2020 به سبب گسترش پاندمی کرونا با دشواری های فراوانی از نظر تندرستی و گذران زندگی روبرو شدند و موجهای بیماری و بیکاری و ناامنی شغلی بسیاری از کشورها را درنوردید و فقر و کمبود درآمد بر سر بسیاری از افراد و خانواده ها در کشورهای گوناگون سایه افکند، اما آمار های منتشر شده از جمله از سوی یک نهاد پژوهشی سوئدی نشان می دهد که هزینه های نظامی در جهان در سال 2020 نه تنها کاستی نپذیرفت بلکه حدود 2.6 درصد افزایش یافت. ارتش ها و صنایع نظامی و مراکز های مالی همپیوند با آنها و نیروهای سیاسی و حکومت ها همچون عضوهای ارکستری هماهنگ در یک بازی پرخرج شرکت داشتند. نظامی گری و تدارک جنگ در دوران کنونی تنها در خدمت امر سیاسی و پیشبرد سیاست نیست بلکه چونان پدیده ای برای خود و وابسته به منافع گروه ها و کنسرن ها و نهادها و قشر های مرتبط عمل می کند، البته در راستای استراتژی داخلی و جهانی نیروهای اصلی قدرت در هر کشوری.

با آنکه دولت آمریکا و چین و هند و انگستان و روسیه که دارای بالاترین هزینه های نظامی سال 2020 بودند در هیچ جنگ بزرگ و فراگیری درگیر نبودند، اما همه به نسبت سال 2019 بر هزینه های نظامی شان افزودند. در سال 2020 هزینه های نظامی در جهان به رقم چشمگیر 1981 میلیارد دلار رسید که نسبت به سال 2019 با هزینه 1917 میلیارد دلاری، افزایشی 2.6 درصدی را نشان می دهد. کشورهای آمریکا، چین، هند، روسیه، انگستان، عربستان سعودی، آلمان، فرانسه، ژاپن و کره جنوبی 10 کشوری هستند که بیشترین هزینه ها را بخود اختصاص داده اند.

آمریکا بیشترین سهم هزینه ها را با مبلغ 778 میلیارد دلار داراست که افزایشی 4.4 درصدی را نسبت به سال 2019 نشان می دهد. سهم آمریکا در صرف هزینه های نظامی 39 درصد کل بودجه های نظامی جهان و به تنهایی برابر مجموع هزینه های نظامی 12 کشور بعدی جدول هزینه هاست. بیشترین سهم مصرفی این بودجه عظیم در بخش های سلاح های اتمی و ناوهای جنگی و نیروی هوایی بکار رفت. حکومت آمریکا با اختصاص این حجم عظیم هزینه نظامی می کوشد همچنان موقعیت برتر نظامی و ژئوپلیتیک خود و کنترل اقیانوس ها و شاهراه های دریایی را حفظ کند.

چین بودجه نظامی اش را در سال گذشته به 252 میلیارد دلار رساند و همچون سال 2019 در رده دوم قرار گرفت. حکومت چین می کوشد عقب افتادگی های نظامی اش را جبران کند و مانند یک قدرت نظامی بزرگ در گستره سیاست جهانی چهره بنماید، از اینرو در 25 سال گذشته همواره بر بودجه نظامی سالانه اش افزوده و اینک با اختصاص 13 درصدی کل هزینه های نظامی جهان، پس از آمریکا بیشترین بودجه نظامی در جهان را بخود اختصاص داده است. مدرن سازی سلاح های اتمی و ناوگان دریایی و نیروی هوایی از الویت های برنامه استراتژیک نظامی حکومت چین است. چین که خود را در کنار آمریکا و اتحادیه اروپا یکی از قطب های اصلی جهان می داند، در گستره نظامی هم، مانند عرصه های اقتصادی و تکنولوژی و ژئوپلیتیک می کوشد موقعیت خود را در جهان چند قطبی تقویت کند.

هندوستان با بودجه نظامی 72.9 میلیارد دلار در سال 2020 پس از چین در رده سوم قرار گرفت و به هزینه های نظامی اش 2.1 درصد افزود. دولت راستگرا و ناسونالیست مودی با تکیه بر رقابت با دولت های همسایه اش، چین و پاکستان و درگیری بر سر کشمیر و کوشش برای یافتن جایگاهی مهمتر و تاثیر گذار تر در جهان چند قطبی کنونی برافزایش قدرت نظامی هند تاکید می ورزد. جمعیت و اقتصاد رو به رشد و دارا بودن سلاح اتمی به بلند پروازی های دولت هند دامن می زند. روسیه با هزینه نظامی 61.7 میلیارد دلاری در سال 2020 در رده چهارم قرار گرفت و 2.5 درصد بر بودجه نظامی خود افزود. دخالت نظامی در سوریه و افزایش تنش ها با دولت اوکراین و چالش های اتمی با آمریکا بر بودجه نظامی روسیه و افزایش آن در سال گذشته تاثیر گذار بودند. روسیه که از نظر اقتصادی و تکنولوژی و جمعیتی و ژئوپلیتیک در عرصه شطرنج جهانی از اهمیت درجه اول برخوردار نیست، می کوشد به عنوان یک قدرت بزرگ نظامی و اتمی همچنان در سیاست و ژئوپلیتیک جهانی نقش ایفا کند.

انگلستان در سال 2020 مبلغ 59.2 میلیارد دلار هزینه نظامی داشت و در رده پنجم در جهان قرار گرفت و عربستان سعودی هم با اختصاص بودجه 57.5 میلیارد دلاری در مرتبه ششم قرار داشت که به سبب افت بهای نفت مجبور شد از هزینه های نظامی خود حدود 10 درصد بکاهد. عربستان بیشترین سهم هزینه نظامی در خاورمیانه را دارد و بزرگترین واردکننده سلاح در منطقه است. آلمان با هزینه نظامی 52.8 میلیارد دلاری در رده هفتم قرار داشت و به نسبت سال 2019 بر بودجه نظامی اش 5 درصد افزود که این افزایش بودجه و هزینه نظامی را بویژه فشار های چند ساله دولت ترامپ بر هم پیمانان ناتوی آمریکا و از جمله آلمان سبب ساز بود.

کشور های آفریقایی با جمعیت 1300 میلیون نفری، هزینه ی نظامی حدود 40 میلیارد دلار داشتند و کشورهای آمریکای لاتین با جمعیتی حدود 650 میلیون نفر، هزینه ی نظامی شان 52 میلیارد دلار بود که 26 میلیارد دلار آن به کشور برزیل با جمعیتی حدود 210 میلیون نفر اختصاص داشت. دولت اسرائیل در رتبه چهاردهم و ترکیه شانزدهم بودند و جمهوری اسلامی ایران با 16 میلیارد دلار در رتبه هجدهم جدول هزینه های نظامی قرار دارد. اگر هزینه های پنهان نظامی جمهوری اسلامی هم در نظر گرفته شود بر این مبلغ باید مقداری افزود. بخش مهمی از هزینه های نظامی جمهوری اسلامی صرف پیشبرد برنامه موشکی سپاه پاسداران و دخالت های نظامی و امنیتی سپاه قدس در خارج از کشور و بویژه در عراق و سوریه و لبنان و یمن و همچنین خرج بسیج و سپاه در داخل جهت سرکوب مردم ایران می شود. جمهوری اسلامی از آغاز پایه گذاری در راستای کشورگشایی شیعی و صدور حکومت اسلامی به دیگر کشورها و اسرائیل ستیزی آشکار، به نظامی گری و گسترش و تقویت نیروی نظامی اش اهمیتی ویژه می داده و تشکیل سپاه پاسداران و بعدها سپاه قدس در همین راستا بوده است. ادامه ی نابخردانه جنگ ایران و عراق، دخالت در جنگ داخلی لبنان با کمک نظامی و مالی به حزب الله لبنان، دخالت نظامی در عراق بصورت جنگ نیابتی و فرستادن سپاه قدس به سوریه برای پشتیبانی از بشار اسد و کمک نظامی به حوثی های یمن، دخالت های مقطعی در افغانستان در چهار دهه

ی گذشته و صرف هزینه های ده ها میلیارد دلاری در زمینه انرژی هسته ای برای دستیابی احتمالی به سلاح هسته ای، نشانه های بارز نظامی گری و جنگ طلبی همه سویه جمهوری اسلامی است که هیچ پیوندی با منافع ملی ایرانیان ندارد و به روشنی برضد آن عمل می کند.

روند صادرات اسلحه هم در جهان در سال 2020 همانند گذشته ادامه داشت و فاجعه جهانی پاندمی کرونا و پیامدهای ویرانگر اقتصادی و انسانی آن که سبب بیکاری 250 میلیون نفر در سراسر جهان شد تأثیری بر حجم صادرات اسلحه نگذاشت و در حد سال 2019 باقی ماند. 5 کشور آمریکا، فرانسه، آلمان، چین و روسیه همانند سال 2019 بزرگترین صادرکنندگان سلاح در جهان بودند. آمریکا سهم 32 درصدی اش در سال 2019 از مجموع صادرات اسلحه در جهان را در سال 2020 حتی به 37 درصد رساند که بخش بزرگی از آن به خاورمیانه صادر شد. حکومت ارتجاعی عربستان سعودی همانند سالهای پیش بزرگترین خریدار سلاح در منطقه بود. فرانسه هم بر حجم صادرات نظامی اش افزود.

مبلغ نجومی تقریباً 2000 میلیارد دلاری هزینه های نظامی سال 2020 در جهان، بی آنکه جنگی میان کشورها رخ داده باشد نشان می دهد که مرکزهای اصلی قدرت بویژه در کشورهای قدرتمند جهان با صرف این هزینه ها از یکسو در خدمت شبکه های بین المللی سرمایه و صنایع بزرگ نظامی و ارتش ها و شبکه های وابسته به آنها عمل می کنند و از دیگر سو با ذخیره و نوسازی سلاح های اتمی و زیردریایی ها و ناوهای هواپیمابر و جنگنده های بسیار مدرن و پهپادهای بی سرنشین، خود را برای چالش های ژئوپلیتیکی و رویارویی ها و جنگ های احتمالی آینده آماده می سازند و وضعیت فاجعه بار جهان و دشواری های برخاسته از پاندمی کرونا هیچگونه تأثیری بر این نقشه ها و پروژه های استراتژیک نداشته است. گویی همه ی آرزوها و پیش بینی های انساندوستانه آزادی خواهان و عدالت جویان برای بهبود اوضاع جهان و برقراری مناسباتی انسانی تر با درس آموزی از فاجعه جهانی پاندمی کرونا زدن نقشی بر آب بوده است.

آلبرت اینشتین فیزیکدان پرآوازه سده بیستم، پس از پایان جنگ جهانی اول و دیدن ویرانی ها و آسیب های بزرگ انسانی برآمده از جنگ، در سال 1932 در نامه ای به زیگموند فروید دیگر دانشمند نامی هم عصر خود از او پرسید که آیا برای بشریت راه نجاتی در برابر فاجعه ی شوم جنگ وجود دارد؟ فروید در پاسخ به آلبرت اینشتین نوشت: "نمی دانم، اما شاید خیالبافی نباشد اگر به تأثیر دوعاملی امید ببندیم که در آینده ای نه چندان دور به جنگ و جنگ طلبی پایان خواهند داد، یکی، رشد فرهنگی و دیگری، ترس موجه از جنگ آینده. البته نمی توان حدس زد که این راه از چه پیچ و خم هایی خواهد گذشت، اما به جرئت می توان گفت، هر آنچه رشد و پیشرفت فرهنگی را شتاب بخشد، بی گمان کاربردی مثبت علیه جنگ خواهد داشت." فروید بر آن بود که برآشفستگی بسیاری از آدمیان از جنگ و نتیجه های شوم آن به سبب رشد و پیشرفت فرهنگی انسان است زیرا انسانها دریافته اند که جنگ، زندگی ها را نابود و آدمی را به دامگه مرگ و نیستی می برد و همه ی ره آوردهای مادی بدست آمده از تلاش و کوشش و کارشان را ویران می کند. از دیدگاه فروید مخالفت با جنگ و جنگ افروزی و داشتن حساسیت جدی در این زمینه نتیجه فرایند رشد فرهنگی انسان و توانمندی بیشتر خرد انسانی و چیرگی آن بر پاره ای از غریزه هاست.

جنگ افزارهای بسیار مدرن هوایی، دریایی و زمینی کنونی که با کاربست هوش مصنوعی و رباتیک برخطر ویرانگری ها بشدت افزوده اند و همچنین مدرن سازی سلاح های میکروبی و شیمیایی و اتمی، به ترس از جنگ در میان انسان ها بیشتر از گذشته دامن میزنند، این عامل می تواند در مخالفت با نظامی گری و جنگ طلبی و جنگ افروزی تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. عامل پیشرفت فرهنگی انسان که روندی درازمدت و دراز آهنگ است و در میان ملت های گوناگون شتابی متفاوت دارد اگر چه بر پایه دیدگاه فروید تأثیری گذاری بنیادی ترویجی تری بر صلح خواهی آدمیان می تواند داشته باشد اما به یکبارگی و با شتاب نخواهد بود و روندی آهسته و آرام است.

باتوجه به اینکه عامل های سه گانه ی، نظامی گری سودورزانه و جنگ طلبی و جنگ افروزی با اقتصاد و منافع گروه های معین اجتماعی و امر سیاست – چه داخلی و چه جهانی – سرو کار دارد مبارزه با آنها موضوع سیاسی روز و کنش های سیاسی روز مره هم هست و تأثیرات کوتاه و میان مدت مبارزه ی سیاسی و اجتماعی حتی از دوعامل ترس و فرهنگ مورد نظر زیگموند فروید بیشتر است.

پیش از فروید امانوئل کانت فیلسوف فرهیخته ی دوران روشنگری به اندیشه ورزی در باره ی جنگ و صلح پرداخت و در رساله ی کوچک و پر مایه اش "صلح ابدی"، یک طرح فلسفی" به بررسی چگونگی برقراری صلح پایدار میان کشورها در آینده، دست یازید. او درگام نخست، پیش شرط های صلح ابدی را اینگونه برشمرد:

1. عهده نامه ی صلحی که با پیش شرط پنهان برای تدارک جنگ در آینده همراه باشد نباید معتبر شمرده شود.
2. هیچ کشور بزرگ و یا کوچک مستقلی نمی تواند از سوی کشور دیگری از راه ارت، مبادله، خرید و یا بخشش فراچنگ آید.
3. ارتش های آماده باید به تدریج منحل شوند.
4. هیچگونه قرارداد و ام گیری در پیوند با روابط خارجی دولت ها، نباید بسته شود.
5. هیچ کشوری نباید به زور در قانون اساسی و حکومت کشور دیگری دخالت کند
6. هیچ دولتی که با دولت دیگری در جنگ است نباید اجازه ارتکاب چنان اعمال جنگی ای را بدهد که اعتماد متقابل را در دوره صلح احتمالی آینده ناممکن سازد.

کانت با بررسی وضع طبیعی و وضع مدنی در میان انسانها و بیان وضعیتی مشابه آن میان دولت ها به ماده های سه گانه برای برقراری صلح ابدی می پردازد:

ماده 1 – قانون اساسی هرملتی باید جمهوری باشد. و این جمهوری بر سه پایه استوار است

اول – آزادی هر فرد جامعه به عنوان انسان

دوم – هر فرد وابسته به یک قانون عمومی -اساسی- و تابع آن است

سوم – هر فردی با دیگری برابرست- در برابر قانون-

ماده 2- حق ملت ها باید مبتنی بر فدراسیونی از کشورهای آزاد باشد

ماده 3- حق جهان وطنی – جهان شهری –، پذیرش بیگانگان در کشورهای دیگر.

کانت با طرح ایجاد فدراسیون جمهوری ها امید داشت تا بشر بتواند با فرهنگ پذیری و خردورزی و قانون گرایی و روشن اندیشی، در آینده دولتی فدرالی جهانی برقرار کند و از این رهگذر به صلح ابدی دست یابد. در نزدیک به دوپست و پنجاه سالی که از انتشار این نوشته کانت می گذرد جهان شاهد تشکیل جمهوری های بسیار و جنگ های ویرانگر و خانمان برانداز و فجایع فراوان بوده و آنچه بر بشر گذشته نشان می دهد که هنوز تا ایجاد آن آرمانشهر راه درازی در پیش است.

کارل مارکس اندیشمند بزرگ سده نوزدهم ، با طرح و پیش بینی پایان یابی نظام سرمایه داری بر پایه مبارزه طبقاتی و جایگزینی مناسبات سرمایه داری بوسیله نظام سوسیالیستی، جهانی عادلانه و طبعا صلح یافته ای را نوید داد که نیروی بزرگی در بسیاری از کشور های جهان برای انجام آن به میدان آمدند.

در دو سده ی گذشته، انسان ها در مخالفت با جنگ و جنگ افروزی ساکت ننشستند و جنبش های پاسیفیستی در سده نوزدهم و بعدها جنبش طرفداران صلح در جهان که آماج اصلیش مبارزه بر علیه نظامی گری و جنگ افروزی بود آرام آرام در عرصه ی سیاسی کشورها کنشگر شد. جنبش صلح در دهه های 60 و 70 میلادی از جمله با تظاهرات سالانه در بسیاری از کشورها چهره می نمود. در دوره ی جنگ ویتنام در افشای اقدامات جنگی آمریکا، بسیار فعال و در دهه ی هشتاد همچنان در صحنه بود. در دهه ی نود اما از فعالیت هایش به شدت کاسته شد. با برسرکار آمدن نومحافظه کاران در آمریکا و آغاز جنگ آمریکا و ناتو با عراق و اشغال آن در سال 2003 ، جنبش صلح دیگر بار جان تازه ای گرفت و طرفداران صلح اگر چه با بسامدی کمتر دیگر بار به میدان آمدند. اما در دهه ی گذشته این جنبش به محاق تعطیل رفت و با آنکه روند نظامی گری و جنگ افروزی شدت پذیرفت - که جنگ های لیبی و سوریه و یمن و ادامه ی درگیرها در افغانستان نشانگر آنند- اما جنبش صلح دیگر بار به میدان باز نگشت.

روند افزایش هزینه های نظامی و شدت یابی رقابت های استراتژیک و ژئوپلیتیک میان آمریکا و ناتو و اتحادیه اروپا از یکسو و چین و روسیه و شاید بزودی هندوستان، از دیگر سو نیاز به یک جنبش جهانی صلح نیرومند را از هر باره ضروری تر کرده است. جنبشی همانند جنبش حفظ محیط زیست که خوشبختانه در چند سال اخیر دامنه و نیروی گسترده تریافته است. باید امیدوار بود و کوشید که طرفداران صلح و برابری و مخالفان نظامی گری و جنگ طلبی و جنگ افروزی در سراسر جهان و بویژه منطقه خاورمیانه که یکی از کانونهای اصلی این پدیده هاست با پایه ریزی و تقویت گروه ها و سازمان های هوادار صلح و کوشش در راستای نیرومندی جنبش صلح بتوانند گام های موثری در تقویت صلح جهانی بردارند.

مردم ایران به سبب سرکوب و استبداد رژیم از داشتن نهادهای مدنی ضد جنگ و طرفدار صلح بی بهره اند، اما در دو قیام و خیزش گسترده توده ای در سال های 96 و 98، دلیرانه مخالفت جدی خود با نظامی گری حکومت اسلامی را در حرکت های گسترده ی خیابانی و شعارهای کوبنده شان به روشنی و البته به بهای گراف مرگ و زندان و شکنجه نشان دادند. شعارهایی چون :

سپاه جنایت می کند ، رهبر حمایت می کند

حکومت سپاهی ، نمی خواهیم ، نمی خواهیم

سپاه بی کفایت ، مایه ننگ ملت.

این شعارها که ستون اصلی نظامی گری و جنگ افروزی حکومت اسلامی را نشانه گرفت، مضمون خواست و تمایل و علاقه بخش بزرگی از ایرانیان به جمع کردن بساط نظامیان جنگ طلب و جنگ افروز سرکوبگر و صلح جویی و صلح خواهی آنان را نشان داد.

مخالفت با استراتژی جمهوری اسلامی در زمینه ی دخالت نظامی در امور دیگر کشورهای منطقه و صدور اسلامگرایی شیعی هم به روشنی در شعارهای قیام ایرانیان در نزدیک به 200 شهر در سال های یادشده بازتاب یافت. شعارهایی چون:

نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران

فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن

پول های ما کجا میره عراق، یمن، سوریه.

وجه نیرومند صلح خواهی قیام و خیزش های سال 96 و 98 چندان مورد توجه و تاکید و بررسی قرار نگرفته و در زیر سایه ی جنبه های مخالفت های سیاسی و ضد استبدادی چشمگیر این حرکت های بزرگ مردمی پنهان مانده است. رویدادهای سال های گذشته نشان داد که مردم ایران که هیچ امکان و ابزاری قانونی برای بیان دیدگاه های خود در ابراز مخالفت با سیاست های نظامی گرایانه و جنگ طلبانه و مداخله جویانه حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اختیار ندارند با استفاده از مبارزات خیابانی در صف های میلیونی و با بهایی سنگین به بیان نظر می پردازند و این سیاست ها را محکوم و صرف هزینه های نظامی ده ها میلیارد دلاری حکومت را برخلاف منافع ملی می دانند. تلاشهای ایدئولوژیک و فرهنگی جمهوری اسلامی از آغاز جنگ بی سرانجام هشت ساله ایران و عراق برای قدسی سازی و مقدس جلوه دادن پدیده ی جنگ، پدیده ای که یکی از بدترین و سخیف ترین فعالیت های انسان است - بسیار چشمگیر بود. این کوشش ها که با اسطوره سازی های مذهبی همراه بود در سالهای درگیری نظامی دودولت و حتی مدتی پس از آن بر دیدگاه ها و روان بخشی از مردم ایران موثر افتاد و همنوایی آنان با تبلیغات حکومتی را بهمراه داشت. اما اینک آن اسطوره سازی ها برای بسیاری از ایرانیان، بخشی از آوازه گری های سیاسی و دروغ پرداری ها و سودورزی های فریب آمیز روزمره ی حکومتی است و جلوه و نمود دیگری ندارد. بی تردید اگر امکان آزادی بیان و آزادی نهادهای مدنی وجود می داشت بخش بزرگی از ایرانیان در نهادهای مدنی و روزنامه ها و تریبون های آزاد بر ضد نظامی گری و جنگ طلبی جمهوری اسلامی در صحنه می بودند و با یک جنبش بزرگ و سراسری صلح و مخالفت با نظامی گری و دخالت نظامی در دیگر کشور ها از سوی حکومت، سدی اساسی و قانونی بر سر راه آن می ساختند، و رژیم را مجبور می کردند که میلیاردها دلار هزینه های بیهوده نظامی را صرف پیشرفت و آبادانی ایران و سرمایه گذاری در صنایع کلیدی مدرن و راهبردی و بهبودی گذران زندگی و آموزش فرزندان این سرزمین کند و میهن ما را از تیررس تحریم ها و فشارهای کمرشکن اقتصادی دور دارد. تحریم هایی که نه تنها گریبان مافیای حکومتی را می گیرد و آنان را از غارت و چپاول دلارهای نفتی محروم می

سازد، بلکه تأثیرات مرگباری بر زندگی ده ها میلیون ایرانی قشرهای متوسط و پایین جامعه برجای می گذارد و فقر و بی چیزی و گرسنگی را به بیش از نیمی از جمعیت کشور تحمیل می کند.

بی تردید مردم ایران مخالفت همه سویه شان با سیاست های نظامی و جنگی جمهوری اسلامی و دخالت نظامی این رژیم در عراق و لبنان و سوریه و یمن و- شاید بزودی در افغانستان – را ادامه خواهند داد. دگرگونی های احتمالی در سیاست بین المللی آمریکا پس از رفتن دونالد ترامپ از کاخ سفید شاید امکانی برای کاهش هرچند اندک تنش ها در جهان و منطقه ی پر آشوب خاورمیانه فراهم سازد. اگرچه با توجه به چالش های موجود در جهان چند قطبی کنونی انتظار چندانی برای کاهش هزینه های نظامی در جهان تا چه رسد به برقراری صلح پایدار نمی توان داشت. اما به رغم همه ی آنچه که امروز در جهان شاهدیم، باید برای کاهش هزینه های نظامی و خلع سلاح عمومی و جهانی عاری از سلاح هسته ای و برقراری صلح جهانی پایدار مبارزه کرد، باشد تا روزی این هزینه های هزارها میلیارد دلاری نه برای تولید جنگ افزار و نگهداری ارتش ها و جنگ میان دولت ها و نابودی انسان ها ، بلکه برای بهبود زندگی آدمیان و تامین کار و بهداشت و درمان و آموزش و رشد فرهنگ اختصاص یابد.

24.5.2021 برلین

عیسی پهلوان